

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره دوم-تابستان 1393-شماره پیاپی 24

تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ تاج‌الدینِ هاشمی (سده هشتم هجری)

و تأثیرِ قرائتِ مختلف بر آن

(ص 367-383)

امیر توحیدی¹، بی‌د مهدی موسوی (نویسنده مسئول)²

تاریخ دریافت مقاله: 1392/12/8

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: 1393/4/15

چکیده: تاج‌الدین محمد هاشمی از قرآن‌پژوهانِ ناشناخته سده هشتم هجری کتابی دارد به نام *تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ* که در آن به ترجمه لغات قرآن پرداخته است. این اثر که پیش از *تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ* جُرْجانی نوشته شده تاکنون به چاپ نرسیده است. از رساله منسوب به هاشمی نسخه‌های محدودی در کتابخانه‌ها در دسترس است. از جمله ویژگی‌های این اثر، ترجمه برخی کلمات بر اساس قرائتی غیر از قرائت رایج در روزگار ما (قرائت عاصم به روایت حفص) است. در این مقاله سعی داریم با جمع‌آوری این موارد در کتاب هاشمی، تأثیرِ قرائتِ مختلفِ قرآنی بر آن را مورد بررسی قرار دهیم. در تحقیق حاضر، از دو روش توصیفی و تحلیلی استفاده کرده‌ایم.

کلیدواژه: هاشمی، تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ، قرائت، روایت، عاصم، ترجمه.

¹. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و نیمه وقت دانشگاه قرآن و حدیث .

². دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

مقدمه

ترجمه، گردانیدن، گفتار یا نوشتاری از زبانی به زبان دیگر، برای روشن تر کردن و قابل فهم کردن مفهوم سخن.

ترجمه، ریشه ربّعیج «م» و ام گرفته از زبان آرامی است؛ وجه وصفی آن «ترجمان» است، و به معنای عام «مترجم»، در میان عرب معمول بوده و از همان عصر صحابه، تعبیر ترجمان قرآن، برای مفسّر به کار رفته است، بدون اینکه انتقال از زبانی به زبانی ملحوظ باشد؛ معنای ثانوی ترجمان، یعنی سخن گوینده از سوی کسی، یا بیان کننده سخن کسی. (پاکتچی، ج 15، ص 16).

ترجمه قرآن، کوششی برای بازگرداندن معانی قرآنی از اصل عربی آن به زبانهای مختلف است که در طول تاریخ اسلام با جلوه‌های مختلف تفسیری، ادبی و هنری قرین شده است. (همان، ص 73)
معملاً وقتی نام «ترجمان القرآن» به میان می‌آید، کتاب جرجانی (نولد 740 هـ.ق. - وفات 816 هـ.ق) و ترتیب آن توسط عادل خراسانی (از دانشوران سده دهم هجری) در اذهان تداعی میشود.¹ این در حالی است که پرداختن به ترجمه لغات قرآن کریم محدود به این دو نفر نمیشود، و چه قبل از آنها و چه بعد از آنها، افراد بسیاری اقدام به نوشتن ترجمان قرآن نموده‌اند. از جمله این افراد، که پیش از جرجانی اثری تحت عنوان ترجمان القرآن از خود برجای گذاشته، «تاج‌الدین بن محمد بن ابراهیم هاشمی» است. متأسفانه از زندگینامه وی اطلاعی در دست نیست، ولی با استناد به تاریخ نسخه‌ای از این رساله، که در ششم جمادی‌الاولی سال 736 هجری نگاشته شده و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود²؛ میتوان هاشمی را از دانشوران نیمه نخست سده هشتم هجری / 14 میلادی یا پیش از آن بشمار آورد.

قدمت رساله «ترجمان القرآن» هاشمی، «قدّم آن نسبت به ترجمان القرآن جرجانی» و عدم چاپ رساله هاشمی، انگیزه‌هایی بودند برای بررسی و مطالعه بیشتر آن. تا آنجا که ما اطلاع داریم هنوز کتاب یا مقاله خاصی در معرفی این اثر نوشته نشده است.

این دست‌نوشته دارای ویژگیهای متعددی است که از جمله آنها ترجمه برخی کلمات بر اساس قرائتی غیر از قرائت رایج امروز (فص از عاصم) است. با توجه به اینکه معمولاً محققان به این موضوع

¹. این اثر در سال 1333 هجری خورشیدی توسط دکتر محمد دبیر سیاقی تصحیح و منتشر شده است.

². به شماره 210450 ثبت است، ضمن آنکه تمام مشخصات فیزیکی و نوع خط و کتابت نیز آنرا تایید می‌کنند.

تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ تاج‌الدینِ هاشمی (سده هشتم هجری) و تأثیرِ قرائتِ مختلف بر آن/۳۶۹

اهمیت نمیدهند در این مقاله سعی میکنیم تا با پاسخ گفتن به پرسشهای زیر، جوانب مختلف این موضوع در رساله مورد نظر را بررسی کنیم.

۱- تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ هاشمی چگونه تنظیم یافته، و دارای چه ویژگیهایی است؟ و نسخه‌های آن کدامند؟

۲- هاشمی، لغات قرآن را، علاوه بر روایتِ فَصِّصْ از عاصم، بر اساس چه قرائت‌ها / و روایت‌هایی ترجمه کرده است؟

۳- در میان قرائت‌ها / و روایت‌ها مورد نظرِ هاشمی، کدام قرائت و روایت گستره بیشتری دارد؟

۴- آیا هاشمی، در موردی، قرائتِ عاصم و بخصوص روایتِ فَصِّصْ از وی را نادیده گرفته است؟

۵- آیا قرائت‌ها / و روایت‌های مزبور دارای وجه اشتراک خاصی هستند؟ بطور مثال آیا این قرائت و روایات همگی جزء قرائت هفتگانه‌اند؟ یا همگی کوفی یا بصریند؟

برای پاسخ به سئوالِ اول از روشِ توصیفی بهره میبریم. در این روش، علاوه بر معرفیِ رساله‌های هاشمی، به نسخه‌های آن نیز اشاره میکنیم. برای یافتنِ پاسخ‌های چهار سئوالِ بعدی نیز، از روشِ تحلیلی استفاده میکنیم. در این روش، قرائت‌های مختلف از این دست‌نویس، استخراج و دسته‌بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرند.

مهم‌ترین مانع بر سر راه این پژوهش، انطباقِ ترجمه موجود در رساله با قرائت / روایتِ مورد نظر بود. برای رفع این مانع تلاش بسیاری صورت گرفت.

معرفی رساله تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ

تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ، در واقع، فرهنگِ عربی- فارسیِ لغاتِ قرآنِ کریم است، این کتاب مانند «المستخلص» بترتیب سوره‌های قرآن منظم گردیده، بدین صورت که نخست نام سوره ذکر شده و سپس لغاتِ سوره و ترجمه آنها، آیه به آیه، بیان شده است و بر عکس «تراجم الاعاجم» میباشد^۱ و فرقی که با المستخلص و ترجمان جرجانی دارد آنست که، در آن دو، لغات قرآن یک به یک به فارسی ترجمه شده، اما در این اثر گاهی جمله را به جمله فارسی گردانیده است.

معملاً مؤلف از ذکر موارد تکراری خودداری کرده، و احیاناً، موارد مشابه و هم‌خانواده را در یک جا توضیح داده، و همچنین فعل ماضی و فعل مضارع و مصدر کلمه را ذکر کرده است.

البته ممکن است برخی از این موارد ذکر شده، در قرآن کریم وجود نداشته باشند، بطور مثال، در آیه پنجمِ سوره بقره، پس از ترجمه کلمه ذلک، به ترجمه کلماتِ ذانک و تلک و تانک و اولک نیز

^۱. به ترتیب عکس سوره های قرآن، از سوره "ناس" تا "بقره".

اشاره میکند که برخی از آنها در قرآن کریم به کار نرفته است. هاشمی، بندرت، کلمه را با عبارت عربی معنی میکند، مثلاً در آیه 4 سوره شمس میگوید: «غشاهای استر ها، یا در آیه 11 همین سوره میگوید: طغواها ای طغیانها». در مواردی نیز کلمه، هم با عبارت عربی و هم با عبارت فارسی معنی میشود، مانند: «شَهْرٌ كَانُوا أَجْمَعِينَ»؛ شمایید بتر کرداران، در آیه 77 یوسف.

از دیگر ویژگیهای مهم این دست‌نوشته، ترجمه برخی لغات، بر اساس قرائتی غیر از قرائتِ اِبْرَهِیمِ امروزی (روایتِ نَفْسِ از قرائتِ عاصِمِ) است که در ادامه بیشتر درباره آن سخن می‌گوییم. پس از معرفی اثر و بررسی ویژگیهای آن به روش توصیفی؛ به نسخه‌های آن و چگونگی تنظیم آنها نیز اشاره خواهد شد.

کتاب حاضر از این حیث که به زبان فارسی و جزو متون سده‌های پیش از قرن هشتم است، حائز اهمیت میباشد.

نسخه‌های اثر

در خصوص نسخه‌های این اثر، این مشکل وجود دارد که اکثر فهرست‌نویسان، آن را تَاجِرْجَانِ الْقُرْآنِ یا آثار مشابه دیگر اشتباه گرفته‌اند. در هر صورت، ازمیانِ نسخه‌های متعدد، پنج نسخه زیر به‌هاشمی منسوب گردید:

۱- نسخه 210450 کتابخانه مجلس شورای اسلامی: (بیگ‌باباپور، ج 40/1، ص 60)

این نسخه در ششم جمادی‌الاول سال 736 هـ.ق. به قلم غیاث بن عمر بن عماد، به خطِ سَخِ نوشته شده است. این نسخه تنها نسخه‌ای از تَاجِرْجَانِ الْقُرْآنِ است که کاتب آن مشخص و اسم سوره‌ها و کلمه جمع - که مربوط به جمع اسامی است - با رنگِ نَگَرَف و جلد آن تیماج قهوه‌ای سوخته با ترنج میباشند. در این نسخه که اقدم واضح نسخ شناخته شده از این کتاب است، تقدیم و تأخیرهایی وجود دارد..

۲- نسخه 6944 /1 کتابخانه مجلس شورای اسلامی: (اعتصامی، 1311، 24/2)

این نسخه علاوه بر تَاجِرْجَانِ الْقُرْآنِ، شامل رساله‌فلیه شهید اول (ره) نیز می‌باشد. کاتب و تاریخ کتابت نسخه مشخص نیست ولی مستند است به تطبیق آغاز نسخه با آغاز ذکر شده در الذریعه (72:4) علی منزوی در فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی، آنرا نسخ سده نهم دانسته که «گ» را بصورت «ک» اما «چ» را با سه نقطه نوشته 78 برگ و هر صفحه 15 سطر دارد (منزوی، 1337، 263) نسخه حاضر

به خطِّ سَخْمُوشِ كَلِّ است. اسم سوره‌ها و کلمه جمع به رنگش ننگِ رَف نوشته شده است.^۱

۳- نسخه شماره 4390/4 مرکز احیای میراث اسلامی (مجمع ذخایر اسلامی قم) :

این نسخه که کاتب آن مشخص نیست در یکشنبه غره/دهم ربیع‌الاول سال 1078 ق، به خط نستعلیق نوشته شده است. این نسخه 98 برگ، به همراه نسخه پیشین تنها نسخه‌های تاریخ‌دار این اثر و نام سوره‌ها به رنگش ننگِ رَف است. این نسخه دارای افزودنیهای بسیاری است که هر چند باعث فهم بهتر متن میشوند ولی از اصالت آن میکاهد. در پانوشتها، این نسخه با حرف (ق) نشان داده شده است.

۴- نسخه شماره 12252 کتابخانه مجلس : (صدرایی خوبی، 1376، 247/35)

این نسخه، با عنوان فرهنگ لغات قرآن بفارسی، ثبت شده است. نسخه حاضر، با خط نسخ درشت در 183 برگ نوشته شده است. نسخه حدود یک برگ از آغاز و دو برگ از وسط افتادگی دارد و رساله با کلمه فثاً در سوره لَمَق پایان یافته است. کاتب و تاریخ کتابت نسخه مشخص نیست ولی به نظر میرسد متاخر است. در نسخه حاضر، اسم سوره‌ها با رنگش ننگِ رَف ذکر شده. نسخه حاضر در فهرست کتابخانه مجلس به جُرْجانی نسبت داده شده است. این نسخه مانند نسخه دوم دارای افزودنیهای بسیاری است لذا نمیتوان به آن اعتماد کرد.

۵- نسخه 1140 کتابخانه علامه طباطبائی دانشگاه شیراز: (حافظیان، 1384، 126/2)

این نسخه که کاتب و تاریخ کتابت^۲ آن مشخص نیست در شصت و دو برگ و 28 سطر به خط نسخ نوشته شده است. به نظر میرسد نسخه در دوره‌ای متأخر - قرن یازدهم - نوشته شده باشد. در این نسخه، اسم سوره‌ها به رنگش ننگِ رَف نگاشته شده. این نسخه هم مانند نسخه‌های سوم و چهارم دارای افتادگی و افزودنی‌های مخل اصالت است، لذا نمیتوان به آن اعتماد کرد. در پایان این کتاب، یادداشتی به نقل از الذریعه دیده میشود که کتاب را منسوب به تاج الدین بن محمد بن ابراهیم هاشمی دانسته.

در سه نسخه یادشده اخیر، که تا حدودی شبیه به هم هستند، کاستیها و افزودنیهایی نسبت به دو نسخه دیگر وجود دارد که به نظر میرسد بیشتر آنها به خاطر تصرف ناسخان است. البته نسخ دیگر نیز دارای کاستیها و اشتباهات و ناخوانیهای هستند، ولی در هر صورت، به دلیل قدمت آنها، از

^۱. علاوه بر آن حدود یک برگ (از آیه 42 سوره ابراهیم تا اواسط آیه 6 سوره نحل) و برگ دیگر (از آیه 27 سوره سجده تا آیه

59 سوره احزاب) را از قلم انداخته است

^۲. آقای محمد برکت احتمال داده این نسخه در سده یازدهم هجری نوشته شده باشد. (حافظیان، 1384،

126/2 - فهرست الفبایی نسخه های تک کتابی کتابخانه علامه طباطبائی شیراز)

اصلتی بیش از بقیه نسخه‌ها برخوردارند.

در این مجال لازم است به موضوع مهمی در باره این اثر اشاره شود.

شیخ آقابرگ تهرانی (ره) در الذریعه، به نسخه‌ای از کتابتِ رَجْمَانُ الْقُرْآنُ اشاره میکند که در بیست و نهم ربیع‌الثانی 991 هـ. ق. نوشته شده است ولی هرگز به محل نگهداری آن اشاره نمیکند. (آقابرگ، 1408، 72/4)

وی همچنین به ذکر دو نسخه دیگر که یکی از آنها در کتابخانه مجلس و دیگری در کتابخانه کمبریج است میپردازد.¹ (همان منبع) ولی علی منزوی با مراجعه به فهرست کتابخانه کمبریج مشخص کرده که نسخه مزبور همان رَجْمَانُ الْقُرْآنُ جُرْجَانِی یا ترتیب آن از عادل بن علی است. (منزوی، 1337، 262) وی همچنین به نسخه‌ای متعلق به احمد افشار شیرازی که در سده یازدهم هجری نوشته شده اشاره میکند. (همان منبع، 263)

تَرْجُمَانُ الْقُرْآنِ وَ قِرَائَاتُ / وَ رَوَايَاتٍ مُخْتَلَفٍ

علم قرائات، یکی از علوم کهن برخاسته از قرآن و رشد یافته در تاریخ اسلام است. در خصوص اختلاف قرائات و دلایل آن، بسیار سخن رفته است. برخی اختلاف لهجه‌ها، و برخی عدم کتابت اعراب، اعاجم، نقطه، نشان حروف و علائم سجاوندی و وقف، در رسم الخط عربی، اجتهادات فردی، فاصله زمانی و مکانی، و تصحیف نویسی را جمله دلایل این امر به شمار آورده‌اند. (شریعت، 1380، مقدمه 2) از امام صادق (ع) روایت شده:

"إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ، وَلَكِنْ اَلْاِخْتِلَافُ يَجْعَلُ قَهْنَ كُلِّ الرَّوَاهِ". (کلینی، 1426، 824/1) «قرآن یکی است و از نزد یکی [خدای یگانه] نازل شد، ولی اختلاف از سوی راویان پدید آمد.»

باتوجه به این سخن، علت اصلی اختلاف در قرائت قرآن، اشتباه راویان آن است. این امر (اشتباه راویان) باعث شد تا به مرور، قرائات زیادی در میان مردم رواج و اشکالات زیادی را برای ایشان به وجود آورد تا آنکه در سده چهارم هجری ابن مجاهد (توفی 324ق) با نوشتن کتاب السبعه، هفت قرائت را اختیار کرد و باتوجه به جایگاه سیاسی و اجتماعی در راه پذیرش آن گام برداشت.

¹ الذریعه الی تصانیف الشیعه - الجزء الرابع - ص 72: لتاج الدین بن محمد بن ابراهیم الهاشمی فی ترتیب لغات القرآن و بیانها علی

ترتیب الحروف، الفه المؤلف بعد ترجمان القرآن للسید الشریف الجرجانی الذی ترجم فیہ الفاظ القرآن علی ترتیب السور مع اسقاط المکرر، و تاریخ کتابه بعض نسخ (29-2-991) و توجد نسخه منه فی مکتبه المجلس بپهران کما یظهر من فهرسها، أوله (الحمد لله الذی ارسل الرسل و اوضح السبل و أكمل النعمه) و توجد ایضا فی مکتبه کامبریج کما فی فهرسها.

طبرسی (متوفی 548ق) درباره اقبال مردم به قرائت سبعة، دو دلیل ذکر میکند:

۱- این قاریان، خود را وقف قرائت قرآن کردند، در حالی که علمای قبل و هم دوره آنها، که قرائت به آنها منسوب است و قرائتشان در زمره قرائت شاذ قرار دارد مانند ایشان همه وقت خود را صرف آن [قرائت] نکردند و وجه غالب ایشان فقه، حدیث یا سایر علوم بود (طبرسی، 1388، 28/1)

۲- قرائت ایشان - از نظر لفظ یا شنیدن - حرف به حرف، از ابتدای قرآن تا انتهای آیه سَنَد [دارای سند] است. علاوه بر آنکه آنها به فضایل و بسیاری علمشان به وجه قرآن شناخته شده‌اند. (همان منبع)

در هر صورت، این هفت قرائت به هر دلیل اختیار شده باشند، از زمان ابن مجاهد به بعد به عنوان قرائت رسمی قرآن کریم در جهان اسلام شناخته شدند. حدود سه دهه بعد، ابلح زری (متوفی 833ق) سه قرائت دیگر را به این قرائت افزود و قرائت شش یا دهگانه را به عنوان قرائت متواتر رسمیت بخشید.

معمولاً افراد ناآشنا به قرائت مختلف قرآنی، به هنگام مطالعه ترجمه‌های قدیمی قرآن کریم یا آثاری مثل ترجمان القرآن، متوجه تأثیر این قرائت مختلف در آنها نمیشوند، همانطور که گفته شد، هاشمی به هنگام نوشتن این اثر، خواسته یا ناخواسته، تحت تأثیر این قرائت بوده است. اما ما نمی‌دانیم این تأثیر پذیری، خاص وی است یا جزء ویژگی‌های این دوره به شمار می‌آید؟ البته، برخی از موارد اختلاف در قرائت، جنبه صوتی داشته و تأثیری در معنی ندارد، مانند کلمه زَکَرِيَّا که به جَوْ قُص و كِسَائِي، بقیة قرآء آن را به صورت زَکَرِيَّا (با همزه در انتهای کلمه) خوانده‌اند یا کَلِمَسُو ه که عاصم به ضم همزه و سایرین به کسر آن قرائت کرده‌اند، که این دست از کلمات خارج از بحث ما می‌باشند. علت دیگری که باعث حذف این کلمات شد احتمال تصرف کاتب در ضبط آنها به هنگام استنساخ نسخه بوده است. در ادامه باتوجه به دوره‌ای که ترجمان القرآن هاشمی در آن نوشته شده، نخست به تأثیر قرائت هفتگانه در این اثر می‌پردازیم و چنانچه موردی با سایر قرائت نیز انطباق داشت با استناد به منابع موجود به آن نیز اشاره می‌کنیم.

منابع تحقیق

همانطور که گفته شد در این تحقیق، نخست تأثیر قرائت هفتگانه در این اثر را جستجو می‌کنیم. باتوجه به اینکه قاریان و مؤلفین کتب قرائت در روایت و نقل قرائت مختلف، اختلافاتی با یکدیگر دارند لذا این قرائت باید به کتب مشخصی استناد داده شود تا از نظر روش تحقیق، خللی در کار به

وجود نیاید.

از این رو، به منظور مشخص کردن قرائت کلمه، از دو کتاب که مؤلفین آنها در سده هشتم هجری یعنی هم‌زمان با نگارش قدیمی‌ترین دست‌نوشته باقیمانده *لِزَجْمَانِ الْقُرْآنِ* هاشمی می‌زیستند بیشتر استفاده شده است. این کتابها عبارتند از:

۱- *کنز المعانی فی شرح حریر الأمانی ووجه التهنانی*، نوشته ابراهیم عبری (توفی 732 ق)

۲- *سراج القارئ المبتدی و تذکار المقرئ المنتهی*، تألیف ابن قاصح (توفی 801 هـ. ق)

به منظور مشخص کردن قرائت کلمه، از این کتب که شروحو اند بر قصید شاطبی^۳، بهره جسته‌ایم و در برخی موارد هم از منابع دیگر همچون *الحججه للقراء السبعه*، *معجم القرائات القرآنیه*، *اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر*، مفرده ابن محیصن المکی و مفرده الحسن البصری از آثار حسن بن علی اهوازی و سایر منابع استفاده شد.

۱- *فاتحه الكتاب/4* لمَلِكِ الْوَهْمِ مَلِيكٍ وَ الْمَالِكِ : پادشاه.

کِسَائِي وَ عَاصِمِ مَالِكٍ، وَ بَقِيَّةَ قِرَاءِ هَفْتِگَانِه مَلِكِ خَوَانْدَه‌اَنْد. (جعبری، 2011، 388/1؛ ابن قاصح، 1375، 31) سی اووه ریره و ابو رجه طردی - از قاریانی که دارای قرائت خیلی شاذ هستند - نیز مَلِيكِ خَوَانْدَه‌اَنْد. (احمد مختار عمر، 1412، 9/1). نکته‌ای که در اینجا جلب توجه میکند آن است که هاشمی هر سه کلمه را به یک معنی یعنی پادشاه ترجمه کرده است. این موضوع، در ترجمه‌های کهن قرآن کریم نیز رایج بوده است. (کیاخاقتی، 1374، 1286/3).

۲- *بقره/الغشاو* ه: پوشش.

همه قاریان هفتگانغشاو ه خوانده‌اند. برخی قاریان که دارای قرائت خیلی شاذ هستند نیزغشاو ه خوانده‌اند. (احمد مختار عمر، همان منبع، 23/1 و 24) هاشمی نیز به هر دو قرائت اشاره کرده، هر چند این دو قرائت مختلف اختلافی در معنی ندارند.

۳- *بقره/10*: کذبون: دروغ می‌گفتند کذبون: به دروغ زنی می‌دارند.

قاریان کوفه: عاصم و حمزه و کسائی کذبون، وبقیه قراء هفتگانیه کذبون خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1105/3؛ ابن قاصح، همان منبع، 48) هاشمی هم به قرائت ثلاثی مجرد و هم به قرائت ثلاثی مزید اشاره کرده است ولی هیچ یک را بر دیگری رجحان نداده است.

۴- *بقره/49*: الذبح: کشتن، بَذَحون: می‌کشند.

ابن کثیر (به روایت سفیان بن عیینه) از قاریان هفت‌گانه، و ابن جریر بیضن مکی از قاریان چهارده‌گانه، و اسماعیل بن مسلم جومید بن قیس و زهری و ابو حیه و زعفرانی کَحون (اهوازی، 1428، ص 207، متن و پاورقی 6)، وبقیه قاریان یُنَجون خوانده‌اند. نکته جالب توجه در این مورد آن است که در

نسخه 210450 مجلس که قدیمی‌ترین نسخه موجود است قرائتِ اوّل به صورت : الذبیح : کشتن، بِدَحون : می‌کشند، ثبت شده، ولی در چهار نسخه بدلِ دیگر که همگی پس از آن نوشته شده‌اند، با تصرفِ نسخه برداران، قرائتِ دیگر : التَّدْبیح : بسیار کشتن، بِدَحون : بسیار می‌کشند. در این نسخه‌ها، با توجه به یکی از معانی اصلیِ باب تفعیل یعنی تکثیر، این فعل به این معنی گرفته شده است. امّا ابن جنّی با این نظر مخالف است. وی در این باره می‌گوید : "وجه ذلک انّ فعلت بالتخفیف قد یكونُ فیه معنی التکثیر، وذلك لدلاله الفعل علی مصدره، والمصدر اسم الجنس، وحسبک بالجنس یسهلُ عَمّه وعموماً". (ابن جنّی، 1419، 163/1)

۵- بقره/ 85: سُاری و سُری: اسیران. فِدوهٌم و فِدوهٌم: باز می‌خرید شما ایشان را. حمزه سُری، وبقیه قرآءا سُاری خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1143/3؛ ابن قاصح، همان منبع، 153). نافع و عاصم و کسائی فِدوهٌم، وبقیه قرآءه فِدوهٌم خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع؛ ابن قاصح، همان منبع) در هر دو کلمه اختلافی در معنی نیست.

۶- آل عمران/ 115: یَنْکَفِرُوه: پس پوشیدتان نگردانید آن را. قرائت نافع و ابن کثیر اووه مرو و ابن عامر و شعبه. (جعبری، همان منبع، 1351/3؛ ابن قاصح، همان منبع، 182). هاشمی به قرائتِ دیگر یعنی یَنْکَفِرُوه که در زمان ما شایع است اشاره نمی‌کند.

۷- آل عمران/ 161: یَأْنِغُلْ: که خیانت کند، یَأْنِغُلْ: که نسبت کنند او را به خیانت. ابن کثیر اووه مرو و عاصم این غُلْ، وبقیه قرآءا یَنْغُلْ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1369/3؛ ابن قاصح، همان منبع، 185).

مولف به هر دو قرائت که یکی فعل معلوم و دیگری مجهول است و معنایی مختلف دارند اشاره ولی هیچ یک را رجحان نمیدهد.

۸- آل عمران/ 179: التَّمییز: جدا واکردن. حمزه و کسائی یَمِّیْزَ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1378/3 و 1379؛ ابن قاصح، همان منبع، 186). هاشمی به قرائتِ تمیز که فعل ثلاثی مجرد است و با قرائت رایج زمان ما انطباق دارد اشاره نمی‌کند.

۹- نساء/ 33: یَسْتَعِیْذُ بِه: پیمان کردن با کسی. نافع و ابن کثیر اووه مرو و ابن علیّ یَسْتَعِیْذُ بِه خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1418/3؛ ابن قاصح، همان منبع، 191 و 192). هاشمی به قرائتِ یَسْتَعِیْذُ بِه که ثلاثی مجرد است و با قرائت زمان ما انطباق دارد اشاره نمی‌کند.

۱۰- مائده/ 39: سَوَّغُوا خُبْرَهُمْ بِه: سوگند خورد به قصد و پیمان کرد و گره زد، عَقِبَهُمْ قَدًّا، التَّعْقِید: استوار

کردن پیمان.

ابن ذکوان وشُعبه و حمزه و کِسْطَى قَدْتُمْ، وبقیة قرآنمَ قَدْتُمْ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1468/3؛ ابن قاصح، همان منبع، 201). به دو قرائت بدون رجحان اشاره شده.

۱۱- **أنعام/9** قَارَ قَهَ وَالْفِرَاقُ: از یکدیگر جدا شدن.

حمزه و کِسَائِفَارٌ قَوَا خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1574/3؛ ابن قاصح، همان منبع، 220). هاشمی به قرائت فَرَقُوا که در باب تفعیل است و با قرائت رایج در زمان ما انطباق دارد اشاره نمی‌کند.

۱۲- **أعراف/57** بُشْرَى: بشارت‌دهندگان، جمع شیراندُ شُر: باد نرم و خوشنُشُر: دوندگان.

عاصم، بُشْرَأُ و ابن عامر، بُشْرَأُ، و حمزه و کِسَائِي: شُرَأُ، وبقیة قرآن هفتگانه شُرَأُ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1594/3؛ ابن قاصح، همان منبع، 223 و 224).

۱۳- **أعراف/117** لَمَّا قَفَّ: فرو بردن سخنی.

همه قرآن هفتگانه و راویان آنها، به جَوِّ قَفَّ، لَمَّا قَفَّ (باب تفعیل) خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1606/3 و 1607؛ ابن قاصح، همان منبع، 225 و 226) هاشمی به قرائت لَمَّا قَفَّ که ثلاثی مجرد است و با قرائت زمان ما انطباق دارد اشاره نکرده است.

۱۴- **أعراف/201**: طائف و طَیْف: وسوسه.

ابن کثیر اووعَ مَرُو و کِسَائِي طَیْفٌ، وبقیة قرآن طائفٌ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1633/3؛ ابن قاصح، همان منبع، 232).

۱۵- **هود/28** مِیَّتٍ: پوشیده شد.

ح فَصَّ و حمزه و کِسَائِي عِیَّتٍ، وبقیة فَوَّءَ مِیَّتٍ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1734/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 249). هاشمی به قرائت ثلاثی مجرد اشاره کرده و قرائت ثلاثی مزید را که با قرائت زمان ما انطباق دارد ذکر نکرده است.

۱۶- **هود/108** عِدَّ: نیکبخت شد.

ح فَصَّ و حمزه و کِسَائِي سَعِدُوا، وبقیة قرآنمَ عِدُوا خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1753/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 252). هاشمی به قرائت فعل معلوم اشاره کرده ولی قرائت فعل مجهول را که با قرائت زمان ما انطباق دارد در نظر نگرفته است.

۱۷- **إسراء/16**: الأمر والإیمار: بسیار کردن، التأمیر: بسیار گرداندن.

در طریق شاطبیة همفقاریان هفتگانه رُنَا خوانده‌اند. ولی یعقوب از قاریان دهگانه رُنَا خوانده است. در برخی طُرُق غیر مشهور از ابن کثیر اووعَ مَرُو و عاصم و نافع نیز چنین روایت شده است. (بنا، 1419، 356). در طریقی غیر معروف، ازووعَ مَرُوا مَرْنَا نقل شده است. (ابوعلی فارسی، 1413،

91/5). تنها در نسخه 210450 مجلس به معنی تأمیر اشاره شده است. البته در هر سه وجه معنی یکی است.

۱۸- اِسرَاء/90: التَّفجیر: راندن آب.

نافع و ابن کثیر ابوع مرو و ابن عامر تُفَجِّرُ و جَوَّحُوا خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1872/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 276). بِنَفَجْرَ (قرائت عاصم) که ثلاثی مجرد است اشاره نشده.

۱۹- کَهْف/17: اِلْوَارِ و اِلْتِزَاوُر: بخشیدن.

ابن علیز و رُ، و عاصم و حمزه و کِسَائِی و رُ، و بقیة قرزآو رُ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1887/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 277). هاشمی به دو قرائت اول اشاره کرده است هر چند اختلافی در معنای آنها قائل نشده است.

۲۰- کَهْف/86: لُوش ناک لِحَامِیَه: گرم.

نافع و ابن کثیر ابوع مرو و تَفْصَح مِئَه، و بقیة قرأحامیه ه خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1909/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 281). هاشمی به هر دو قرائت اشاره کرده است ولی هیچیک را بر دیگری رجحان نداده است.

۲۱- کَهْف/94: الخَرَاج و الخَرَاج: خراج و مزد مزدور.

حمزه و کِسَائِی خَرَاجاً، و بقیة قرأخَرَاجاً خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1915/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 282). هاشمی به هر دو قرائت اشاره کرده است.

۲۲- مَرِیم/25: التَّسَاقُطُ: بیفتادن ساق طُ: نُتَّ سَاقُ طُ.

حمزه سَاقُ طُ، نُصُ تَسَاقِطُ، و بقیة قرأعَسَاقُ طُ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1936/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 284). هاشمی فقط روایت سَاقُ طُ (باب تفاعُل) را ذکر کرده و به روایت سَاقُ طُ (همتان سَاقُ طُ با حذف حرف مضارع) و تَسَاقِطُ (باب مفاعله) منطبق قرائت زمان ما اشاره نکرده. این حالت در همه نسخه‌های در دسترس دیده میشود.

۲۳- مَرِیم/90: الانْفِطَارُ و الفَطْرُ: شکافته شدن.

ابوع مرو و ابن عامر و شُعْبَه و حمزه نَفِطْرِنَ، و بقیة قرأفَطْرِنَ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1945/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 286). هاشمی هر دو قرائت را آورده است.

۲۴- طه/52: لِإِضِلُّ بَی: ضایع نکند خداوند من، لِإِضِلُّ بَی: ضایع نشود از خداوند من.

ابن ح یصن و حسن بصری و ابن کثیر (به روایت شبلی) لِإِضِلُّ (ثلاثی مزید از باب مفاعله)

(اهوازی، 1428، 280، متن و پاورقی 4؛ و اهوازی، 1427، 380، متن و پاورقی 3)، وبقیّه قرآءِیلاَضِلُّ (ثلاثی مجرد) خوانده‌اند. قرائت اول فقط در نسخه 210450 مجلس که قدیمی‌ترین دست‌نوشته موجود تأزرجُ مانُ القرآن است ثبت شده است. البتّه در نسخه 12252 مجلس نیز اینگونه ثبت شده: یلاَضِلُّ بّی : ضایع نکند خداوند من؛ که اشتباه ناسخ در آن واضح است.

۲۵- طه/۱۶: ت : بکاست و نیست یکرَسَحَ مَتَمُّ حَتًّا.

نافع و ابن کثیر اوو َمَرُو و ابن عامر فُوشِ عِبْفَح تَ کُم خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 1960/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 288). هاشمی به قرائتِ سَجَتِ کُم (ثلاثی مزید از باب افعال) که با قرائت زمان ما انطباق دارد اشاره نکرده است.

۲۶- حج/۳۸: تَدَا فَع ه و الدَّفَاع: از کسی فبّ کردن و امروز فردا کردن.

ابن کثیر اوو َمَرُو دَفِعُ خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2000/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 297). هاشمی به قرائتِ دَفِعُ که ثلاثی مجرد است و منطبق زمان ما، اشاره نکرده است.

۲۷- حج/۴۰: لَه دَم والتّه دیم: ویران کردن.

نافع و ابن کثیر دِم ت، وبقیّه قرآءِ هَمَدَت خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2001/4؛ ابن قاصح، همان منبع). هاشمی به هر دو فعل که یکی ثلاثی مجرد و دیگری ثلاثی مزید است اشاره کرده و اختلافی میان معنای آنها قائل نشده است.

۲۸- حج/۵۰: عَاج ز ه: پیشی گرفتن بر کسی، التّعجیز: به عجز منسوب کردن.

ابن کثیر اوو َمَرُو عَجَزین (باب تفعیل) وبقیّه قرآءِ عَاج زین (باب مفاعله) خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2003/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 298). فقط در نسخه 210450 مجلس (برگ 62) به معنی تعجیز اشاره شده است اما در سایر نسخه‌ها، باتصرف ناسخان، این کلمه حذف شده است.

۲۹- مؤمنون/106: اَلتُّو ه و التُّو ه: بدبختی.

حمزه و کِسَلْتِ قَاو تَنَا، وبقیّه قَرْتَلِقُو تَنَا خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2018/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 300). به هر دو اشاره شده، بدون آنکه اختلافی میان آنها قائل شود.

۳۰- شعراء/49: لِه دَنه گرفت مرهیی غر ه قَرها، فِهوَ فِر ه ه : زیرک شیدفر قَه رَاه ه، فِهوَ فاره.

ابن عامر و عاصِم و حمزه و کِسائی فار هین، وبقیّه قرآءِ ر هین خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2058/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 307). هاشمی به هر دو قرائت اشاره کرده است.

۳۱- قصص/23: الصُّدور: بازگشتن، الإصدار: بازگردانیدن.

ابو عَمرو و ابن عامر صِدُر (ثلاثی مجرد)، وبقیّه قَرِبَا صِدِر (ثلاثی مزید از باب افعال) خوانده‌اند.

تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ تاجُ الدِّينِ هاشمی (سده هشتم هجری) و تأثیرِ قرائتِ مختلف بر آن/ ۳۷۹

(جعبری، همان منبع، 2093/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 315). هاشمی به مصدر هر دو فعل و معنای آنها اشاره کرده و قرائت هیچیک را بر دیگری رجحان نداده است.

32- صافّات/ 130 آلِ یاسین : خاندان رسول - صلی الله علیه وسلّم، و گویند الیاس و اُتباع او. (نسخه (س) : ب/68).

قرآء کوفه ال یاسین، وبقیّه قرآء آلِ یاسین خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2218/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 336). در هر پنج دست‌نوشته در دسترس آلِ یاسین ضبط شده است. و در چهار دست‌نوشته تقریباً مانند آنچه در بالا اشاره کردیم معنی شده به جز دست‌نوشته 6944 کتابخانه مجلس که نامی از الیاس و اُتباع او برده نشده.

33- زُخْرُفُ/ 57: صیدون : بانگ میکنند و صدون : فُروجی (کذا) میکنند. نافع و ابن عامر و کیسائی، صدون ، وبقیّه قو اَعصِدون خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2282/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 349). تنها در نسخه 210450 کتابخانه مجلس به قرائت اوّل اشاره شده است.

34- حشر/ 2: التّخریب: خراب کردن. فقط بوءَ مَروءِ یونّ (ثلاثی مزید از باب تفعیل) خوانده است. (جعبری، همان منبع، 2393/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 366 و 367). هاشمی به قرائتِ خَر بون یا مصدرِ اِخْراب (ثلاثی مزید از باب افعال) اشاره نکرده است.

35- مُلک/ 3: التّفوّت و التّفاوت: فزون شدن و ناهموار شدن. حمزه و کسائی، فوّت، وبقیّه قرآء فَاوُت خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2408/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 370). هاشمی به هر دو قرائت اشاره کرده است.

36- مَرسَلات/ 33: بجا مالات صُفر: شترانی زرد و سیاه.

نافع و ابن کثیر ابوع مرو و ابن عامر و شعبه جِ مالات خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2464/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 378). هاشمی به قرائتِ مالاّه که مفرد است و با قرائت زمان ما انطباق دارد اشاره نکرده است.

37- تکویر/ 6: السّجّزیه ر کردن و تهی کردن و تافتن به آتش، والتسجیر: مبالغت السجر. ابن کثیر ابوع مَروءِ ر ت، وبقیّه قرآء عَسُجّات خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2488/4 و 2489؛ ابن قاصح، همان منبع، 381 و 382). هاشمی به هر دو قرائت که یکی ثلاثی مجرد و دیگری ثلاثی مزید است اشاره کرده است.

38- تکویر/ 24: الظّنّین: متّهم بودن، وبالضاد: بخیل شدن.

ابن کثیر ابوع مرو و کسائی ظنن، وبقیه قرآءِ صَنین خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2490/4 و 2491؛ ابن قاصح، همان منبع، 586). هر دو قرائت بدون رجحان آمده است.

39- انْفِطَارُ /7: التعديل: راست کردن و افکندن.

قاریان غیر کوفی: نافع و ابن کثیر ابوع مرو و ابن عفریو لک (ثلاثی مزید از باب تفعیل) خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2490/4 و 2491؛ ابن قاصح، همان منبع.) به فِقْوَانْد لک یا مصدر آن که ثلاثی مجرد و منطبق قرائت رایج است اشاره شده است.

40- مُطَفِّفِينَ /31: فاکهین: شگفتی‌نمایندگان.

همه قرآء به جَو فُص فاکهین خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2494/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 383).

41- زه /2: التَّجْمِيع: نیک گرد کردن.

ابن عامر و حمزه و کسائی عَمَّ (ثلاثی مزید از باب تفعیل) خوانده‌اند. (جعبری، همان منبع، 2530/4؛ ابن قاصح، همان منبع، 393). هاشمی به جَرَائِم ع یا مصدر آن که ثلاثی مجرد است و با قرائت عاصم انطباق دارد اشاره نکرده است.

بررسی موارد فوق نشان میدهد:

۱- هاشمی در برخی موارد، به طور کلی، قرائتِ عاصِم را نادیده گرفته است، مانند: نِوَّ (آل-عمران/179) لِقَادَت (نساء/33) فَاو (نعام/159) وَفَجَّ (اسراء/90) ویدافع (حج/38) و یحییون (حشر/2) و لک (انْفِطَارُ/7) جَو عَمَّ (زه/2)

۲- وی در برخی موارد روایتِ فُص را نادیده گرفته است، مانند: لَتُكْفَرُوهُ (آل عمران/115) و تَلَقُّ (اعراف/117) وَسَاقَط (مریم/25) وَفَجَّ تَتَكَمُّ (طه/61) وَجِمالانقُر (سجرات/33) و فاکهین (مُطَفِّفِينَ/31)

۳- در اکثر این موارد، هاشمی به قاریان هفتگانه استناد میکند به جز آم زنا (اسراء/16) که به قرائت یعقوب حومی از قاریان دهگانه است.

۴- مؤلف، در اکثر موارد، به طریق مشهور شاطیبه پایبند است ولی در مواردی، علاوه بر این طریق، به برخی طُرُق غیر مشهور نیز اشاره دارد.

۵- در چند مورد، علاوه بر قرائت هفتگانه، به قرائت خیلی شاذ نیز در اثر هاشمی اشاره شده است.

۶- در یک مورد (بقره /49) مولف رساله، نسخه‌برداران قرائت ثبت شده در نسخه قدیمی‌تر را تغییر داده‌اند.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر سعی شد به پرسش‌هایی که در خلال بحثمان مطرح کردیم پاسخ بگوییم. لذا، با توجه به این تحقیق میتوان نتایج ذیل را در خصوص این اثر ارائه نمود:

از پنج نسخه رسالۀ *تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ* هاشمی، که در دسترس است و اقدم آنها در سال 736 هجری نوشته شده است میتوان استنباط نمود مؤلف جزء دانشوران اوایل سده هشتم هجری یا پیش از آن به شمار رفته و متقدم بر میر سید شریف جرجانی و اثر او می باشد..

- ۱- هاشمی، در اکثر موارد، لغات قرآن کریم را، بر اساس روایت *فُصّ* از عاصم ترجمه کرده است، ولی در برخی موارد، قرائت عاصم، و در مواردی، روایت *فُصّ* را نادیده گرفته است.
- ۲- هاشمی، در مواردی که به قرائت مختلف توجه داشته، ترجمه لغات قرآن کریم را بر اساس قرائت هفتگانه ترجمه کرده است. وی تنها در یک مورد، علاوه بر این قرائت، به قرائت یعقوب *حَؤَمِی* از قاریان دهگانه نیز اشاره کرده است.
- ۳- در رساله مورد نظر، کلمات قرآن کریم، در بیشتر موارد، بر اساس طریق مشهور *شاطیّه* معنی شده است ولی در چند مورد، علاوه بر این طریق، به برخی *طُوقِ* غیر مشهور نیز اشاره شده است.
- ۴- مؤلف رسالۀ *تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ*، در چند مورد، در کنار قرائت به اصطلاح متواتر به برخی قرائت شاذ اشاره کرده است ولی به نظر نمی‌رسد که وی در این کار متعمّد بوده باشد.
- ۵- در یک مورد نسخه‌برداران قرائت ثبت شده در نسخه قدیمی‌تر را تغییر داده‌اند.

افق جدید بحث

در خصوص تأثیر قرائت مختلف و کاربرد آن‌ها در کتاب *تَرْجُمانُ الْقُرْآنِ* منسوب به " تاج الدین ابن محمد ابن ابراهیم هاشمی " یک سؤال همچنان بی‌پاسخ باقی مانده است، و آن اینکه: آیا این ویژگی، خاص این رساله است یا آنکه جزء ویژگیهای دوره‌ای است که هاشمی در آن می‌زیسته است؟ پاسخ به این پرسش، نیاز به یک تحقیق و مطالعه مستقل و گسترده دیگر دارد.

والسلام علی من اتبع الهدی

فهرست منابع

علاوه بر قرآن کریم

۱. آقا بزرگ طهرانی، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ط ۳، تهران، اسماعیلیان، ۱۴۰۸، ج ۴.
۲. ابن جنّی، *عثمان المحدث سب فی تبیین وجوه شواذ القراءات والإیضاح عنها*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1419 / 1998.

3. ابن قاصح، *سراج القارئ المبتدی و تذکار المُنقَرئ المُنتهی*، قاهره، شرکة مکتبہ و مطبعہ مصطفی البابی الحاجی و اولاده، 1375 / 1955.
4. ابوعلی فارسی، *الحجّة للقراء السبعة*، تحقیق بدرالدین قهوجی و بشیر جویجانی، دمشق، دارالمأمون للتراث، 1413 / 1992.
5. احمد مختارم ر و عبدالعال سالم کرم، *معجم القراءات القرآنیّة*، قم، انتشارات اسوه، 1412 / 1991.
6. اعتصامی، یوسف، *فهرست نسخه‌های خطّی کتابخانه مجلس شورای ملّتی*، تهران، کتابخانه مجلس شورای ملّتی، 1311، ج 2.
7. اهوازی، حسن بن علی، 2007 / 1428، *مفردة ابن حَیصین المکّتی*، تحقیق عمر یوسف عبدالغنی حَمدان، عمان، دار ابن کثیر للنشر.
8. _____، 2006 / 1427، *مفردة الحسن البصری*، تحقیق عمر یوسف عبدالغنی حَمدان، عمان، دار ابن کثیر للنشر.
9. بنّا، احمد بن محمد دمیاطی، *تحافُض لآلِیِّ شَرَفِ القراءاتِ الاربعه*، تحقیق انس مهره، بیروت، دارالکتب العلمیّة، 1419 / 1998.
10. بیگ‌باباپور، یوسف، *فهرست نسخه‌های خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، 1390، ج 1 / 40.
11. پاکتچی، احمد، "ترجمه"، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، 1387، ج 15.
12. جَعبری، ابراهیم بن عمر، 2011م، *کُلِّمَ عَمانی فی شرح حریرز الأمانی ووجه التهانی*، تحقیق فَرغَ لَمی سیّه رَباوی، جیزه (مصر)، مکتبه اولاد الشیخ للتراث.
13. حافظیان‌بابلی، نسخه‌پژوهی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، 1384، ج 2.
14. *دست‌نوشته 210450*، غیاث بن عمر بن عماد‌المحرّر، ششم جمادی الأوّل 736، 81 برگ، 11/5*15/5، 13 سطر.
15. *دست‌نوشته 4390*، بی‌کا، ربیع‌الوّل 1078ق، 98 برگ، 11*18 سم، 15 سطر.
16. *دست‌نوشته 6944*، بی‌کا، بی‌تا [احتملاً سده 9]، 107 برگ، 12*20 سم، 15 سطر.
17. *دست‌نوشته 12252*، بی‌کا، بی‌تا [احتملاً سده 9]، 182 برگ، 15*22 سم، 9 سطر.
18. *دست‌نوشته 1140*، بی‌کا، بی‌تا [احتملاً سده 11]، 62 برگ، 18/5*1/5 سم، 28 سطر.
19. دهخدا، علی اکبر، 1377ش، لغت نامه، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

20. ذهبی، محمد بن احمد، 1375 ش، **معرفة القراء الکبار**، بیروت، دارالکتب العلمیه
21. صدراپی خویی، علی، فهرست نسخه‌های خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1376، ج 25.
22. طبرسی، فضل بن حسن، 1388 ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، با تعلیقات ابوالحسن شَعرانی، قم، نور وحی.
23. غزنوی، احمد بن محمد، 1389 ش، **تراجم الأعاجم**، به اهتمام مسعود قاسمی و محمود مدبّری، چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات.
24. منزوی، علی، **فرهنگنامه‌های عربی به فارسی**، تهران، دانشگاه تهران، 1337.
25. محمدجعفر، 1374 ش، **فرهنگنامه قرآنی**، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ج 3.